

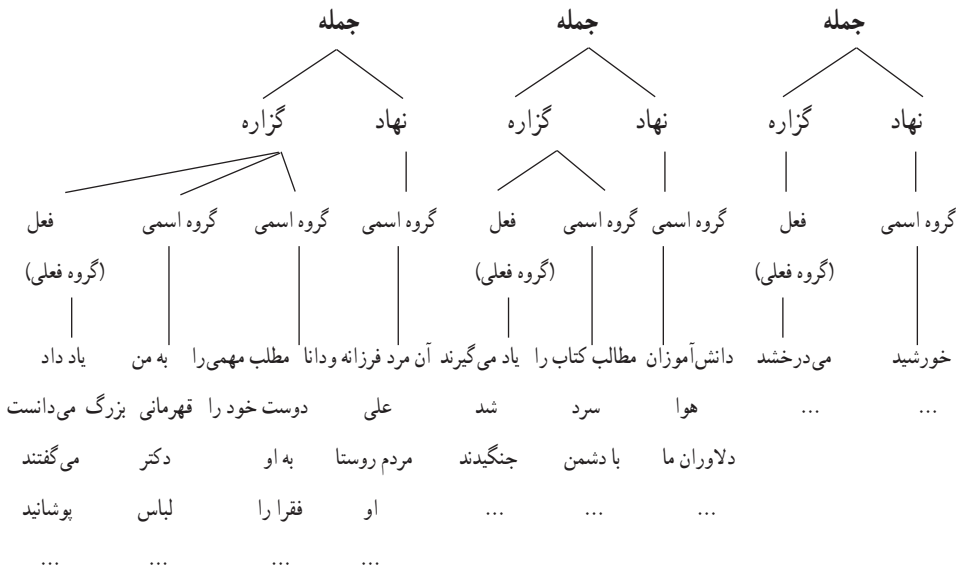
جمله و اجزای آن

می‌دانیم که جمله به دو بخش **نهاد** و **گزاره** تقسیم می‌شود.
 نهاد جایگاه گروه اسمی است که پیش از این با ساختمان آن آشنا شده‌اید.
 اکنون با ساختمان گزاره بیشتر آشنا می‌شویم.
 به نمودارهای زیر توجه کنید.

نمودار (۳)

نمودار (۲)

نمودار (۱)



می‌بینیم که ساختمان گزاره سه گونه (نوع) است.^۱

۱- وجود مفعول، متمم و مسند در گزاره به نوع فعل بستگی دارد.

در نمودار (۱): فعل «می درخشد» به تنهایی جایگاه گزاره را اشغال کرده است. فعل های ناگذر چنین هستند.

در نمودار (۲): فعل های «یاد می گیرند»، «شد» و «جنگیدند» همراه یک «گروه اسمی» در گزاره به کار رفته اند، که نقش «گروه اسمی» در چنین گزاره هایی ممکن است:

۱- **مفعولی** باشد، مانند «مطالب کتاب» در جمله «دانش آموزان مطالب کتاب را یاد می گیرند.»

۲- **مسندی** باشد، مانند «سرد» در جمله «هوا سرد شد.»

۳- **متممی** باشد، مانند «دشمن» در جمله «دلاوران ما با دشمن جنگیدند.»

توجه: درباره متمم چه می دانید؟ نشانه آن چیست؟

در سال اول خواندیم که **نشانه (نقش نمای) متمم حرف اضافه** است، پس در جمله های:

الف) وحید با دسته گل می آید
ب) وحید به دسته گل می ماند

«دسته گل» در هر دو جمله متمم است، چون با نشانه (نقش نمای) حرف اضافه آمده است، با این تفاوت که اگر در جمله (الف) «دسته گل» را حذف کنیم به ساخت و معنای جمله آسیبی نمی رسد (**فعل به آن نیازمند نیست**)، حال آنکه در جمله (ب) «دسته گل» را نمی توان حذف کرد (**فعل به آن نیازمند است**).

متمم های قابل حذف را «**متمم قیدی**» می نامند که **قید** محسوب می شوند و همانند قید می توان در هر جمله ای یک یا چند متمم قیدی را به کار برد، اما متممی که فعل به آن نیاز دارد، **متمم فعل** نامیده می شود و یکی از **اجزای اصلی** گزاره به حساب می آید و هر گزاره یا جمله تنها می تواند یک متمم فعل داشته باشد.

برخی از اسم ها نیز ممکن است به متمم نیاز داشته باشند، که هر چند وجودش برای آن اسم ضروری است، اما فعل به آن نیاز ندارد لذا جزء جداگانه ای به حساب نمی آید. بلکه با اسم همراهش یک گروه را تشکیل می دهد مانند:

الف) مهارت او در خواندن، ستودنی است.

ب) «او در خواندن مهارت دارد.»

گروه اسمی

در نمودار (۳) فعل‌های «یاد داد»، «می دانست»، «می گفتند» و «پوشانید» برای تشکیل گزاره به دو «گروه اسمی» نیازمندند.

نقش این گروه‌های اسمی چیست؟

نقش گروه‌های اسمی در چنین گزاره‌هایی ممکن است:

۱- مفعول + متمم : «آن مرد فرزانه و دانا مطلب مهمی به من یاد داد.»

نهاد مفعول متمم فعل

۲- مفعول + مسند : «علی دوست خود را قهرمان بزرگی می دانست.»

نهاد مفعول مسند فعل

۳- متمم + مسند : «مردم روستا به او دکتر می گفتند.»

نهاد متمم مسند فعل

۴- مفعول + مفعول : «او فقرا را لباس پوشانید.»

نهاد مفعول مفعول فعل

توجه : در نمونه‌های پیش فعل‌های «می دانست» و «می گفتند» غیر از گروه اسمی مفعول یا متمم، گروه اسمی دیگری را لازم دارند که آن را «مسند» نامیده‌ایم. پس علاوه بر مصدرهای (بودن، شدن، گشتن و ...) که سال پیش خواندیم، فعل‌های دیگری نیز هستند که ممکن است «مسند» بپذیرند :

باران هوا را سرد (گردانید / کرد / ساخت / نمود)

مسند

من او را عاقل (پنداشتم / دیدم / دانستم / یافتم)

مسند

همه او را علی (می نامیدند / می خواندند / می گفتند / صدا می زدند)

مسند

مردم علی را دانا (می شمارند / به‌شمار می آورند / به حساب می آورند)

مسند

خودآزمایی

- ۱- با رسم نمودار گروه‌های تشکیل دهنده هر جمله و نقش هر گروه را مشخص کنید.
 - الف) زندگی هدف‌دار آرزوی آزادمردان است.
 - ب) رستم چهره‌ای محبوب و مملی دارد.
 - پ) سهراب خود را به او می‌شناساند.
 - ت) مطالب اضافی در این درس نمی‌گنجد.
 - ث) زبان‌شناسان زبان را یک نظام می‌دانند.
- ۲- به هر کدام از جمله‌های بالا یک یا چند متمم قیدی اضافه کنید.